



درس فراج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۶ / آبان / ۱۳۹۸

مصادف با: ۱۹ ربیع الاول ۱۴۴۱

جلسه: ۲۴

موضوع کلی: نواهی

موضوع جزئی: اجتماع امر و نهی - عنوان بحث

سال یازدهم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

اجتماع امر و نهی

بحث اجتماع امر و نهی از مباحث مهم علم اصول است و نیازمند دقت نظر و انشاء الله با پیگیری و همت شما بتوانیم به خوبی این مباحث را به نتیجه برسانیم. عنوان بحث آن طور که محقق خراسانی در کفایه مطرح کردند این است: «اختلفوا فی جواز اجتماع الامر و النهی فی واحد و امتناعه علی اقوال» اختلاف کردند در جواز اجتماع امر و نهی فی واحد و امتناعه سپس ایشان سه قول را نقل کرده است که عبارتند از: ۱: عدم جواز اجتماع عقلا و عرفا. ۲: جواز الاجتماع، عقلا و عرفا. ۳: جواز الاجتماع عقلا و عدم جواز عرفا که تفصیل از دید عقل و عرف داده شده است.

عنوان بحث در نظر مشهور

در درجه اول لازم است که راجع به خود این عنوان متعرض کلام محقق نایینی شویم. ایشان نسبت به این عنوانی که مشهور هم هست تقریبا اشکال کردند و فرمودند: اولی این است که عنوان بحث را تغییر دهیم و سپس خود ایشان عنوانی برای بحث مطرح کردند. حال می خواهیم ببینیم از دید محقق نایینی این عنوان که مشهور است و محقق خراسانی نیز به تبع مشهور همین عنوان را اختیار کرده چه اشکالی دارد که ایشان می گوید اولی این است که عنوان بحث را تغییر دهیم.

البته این بحث از بحث هایی است که در کلمات متقدمین نیز مطرح شده، منتهی مسئله این است که در کلمات آنها با آن عبارتی که از محقق خراسانی نقل شده یک تفاوت جزئی وجود دارد که البته تأثیری در مسئله ندارد. عنوانی که در کتب متقدمین مطرح شده این است که «هل يجوز اجتماع الامر و النهی فی واحد ذی وجهین او لا»، این کلمه «ذی وجهین» در عبارت محقق خراسانی نبود. آیا اجتماع امر و نهی در واحدی که دارای دو وجه است جایز است یا نیست؟ حال این تفاوتی در عنوان ایجاد نمی کند، عنوان مشهور همین «جواز اجتماع الامر و النهی» است. محقق خراسانی نیز تقریبا همین را اختیار کرده است اما محقق نایینی پیشنهاد عنوان دیگری کرده است و آن هم به جهت اشکالی است که در این عنوان دیده است.

اشکال محقق نایینی به مشهور

ایشان می گوید: قطعا ظاهر این عنوان مراد نیست، یعنی عنوانی که محقق خراسانی به تبع مشهور گفته است، اینکه بگوییم آیا اجتماع امر و نهی فی واحد جایز است یا خیر؟ به حسب ظاهر اصلا نمی تواند مقصود باشد، زیرا ظاهرش این است که امر و نهی که باهم متضاد هستند و تردیدی در تضاد بین آنها نیست مورد نزاع قرار می گیرد. به عبارت دیگر ظاهر عنوان نشان می دهد که بحث در این است که آیا بین امر و نهی تضاد است یا خیر؟ در حالیکه تضاد بین احکام یک امر قطعی و غیر قابل نزاع است. این مفروغ عنه

است که بین امر و نهی تضاد است. آنوقت بیاییم بحث کنیم که آیا اجتماع امر و نهی جایز است یا خیر؟ در واقع به تعبیر محقق نایینی این عنوان موهم این است که کسی که قائل به جواز می شود و می گوید اجتماع امر و نهی جایز است، کأنه تضاد حکمین را قبول ندارد زیرا گمان کرده است که بین امر و نهی تضاد نیست لذا قائل به جواز شده است درحالیکه مسئله این چنین نیست. کسی که قائل به جواز اجتماع امر و نهی می شود می خواهد بگوید هر چند متعلق امر و متعلق نهی در خارج اتحاد وجودی دارند اما در عین حال «لایلزوم منه اجتماعهما» مثل نماز در دار غصبی، نماز خواندن در خانه مغصوبه، از طرفی عبد امر به نماز دارد و باید حرکاتی را به عنوان نماز انجام دهد؛ پس امر متعلق شده به این حرکات و سکانات، از طرفی چون غاصب است، نهی از هر تصرف غاصبانه و هر حرکت غاصبانه صورت گرفته است، پس حرکات و سکون او هم متعلق امر است زیرا «اقیموا الصلوة» در آخر وقت گریبان او را گرفته است و هم متعلق نهی است زیرا غصب است و اصلا نفس توقف او در این مکان حرام است و مشمول نهی است و هرگونه نشست و برخاست در این مکان متعلق نهی است.

محقق نایینی در مورد عنوانی که مشهور برای این بحث اختیار کردند که آیا می شود امر و نهی با هم در یک مورد اجتماع پیدا کنند می گوید: این عنوان خوبی نیست زیرا ظاهرش این است که کأنه اختلاف در واقع در تضاد بین امر و نهی است و قائلین به جواز کانه معتقدند که بین امر و نهی تضاد نیست پس با هم اجتماع پیدا می کنند، قائلین به عدم جواز و امتناع کانه معتقدند بین امر و نهی تضاد است و لذا معتقد شدند که اجتماعی صورت نمی گیرد و این غلط است. هر دو گروه قبول دارند بین امر و نهی تضاد است و بین وجوب و حرمت تضاد وجود دارد و نزاع بین تضاد بین امر و نهی یا تضاد بین وجوب و حرمت نیست زیرا این مورد قبول همه است و این مفروغ عنه است. چرا یک عنوانی را اختیار کنیم که دیگران را به اشتباه بیندازد و یک برداشت دیگری از این عنوان شود. آنچه از این عنوان برداشت می شود یک چیز است، واقعش چیزی دیگر است. آن چیزی که از عنوان محقق خراسانی و مشهور برداشت می شود این است که کانه بحث و نزاع در این است که آیا امر و نهی با هم تضاد دارند یا خیر؟ «جواز الاجتماع یا امتناع الاجتماع» ظهور در این دارد که قائلین به جواز اجتماع کانه عقیده دارند امر و نهی چون تضاد ندارند می توانند با هم جمع شوند و قائلین به امتناع عقیده دارند چون امر و نهی با هم متضاد نیستند می توانند با هم جمع شوند در حالیکه بحث این نیست، این مطلب مورد نزاع نیست، هر دو گروه معتقدند بین امر و نهی و وجوب و حرمت تضاد است، ایشان می گوید: این عنوان موهم چنین نزاعی است.

عنوان بحث در نظر محقق نایینی

به نظر محقق نایینی نزاع در جایی است که امر و نهی اجتماع کردند و دیدیم یک چیز هم مورد امر قرار گرفته و هم مورد نهی، به عبارت دیگر متعلق امر و متعلق نهی خارجا یکی شد مثل نماز در دار غصبی که امر «اقیموا الصلوة» به همین حرکات و سکانات که عنوانش نماز است تعلق گرفته اما خارجا این حرکات و سکانات اتحاد پیدا کرده با متعلق نهی «لا تغصب» غصب نکن. این فعل دو عنوان دارد اما خارجا این دو عنوان در وجود واحد یکی شدند همین فعل هم عنوان نماز دارد و هم عنوان غصب دارد. حال نزاع در این است که اگر اینها خارجا یکی شدند، معنایش این است که امر و نهی اجتماع کردند یا معنایش این نیست؟ بعد از اتحاد خارجی این دو عمل، این دو عنوان می خواهیم ببینیم آیا معنایش این است که امر و نهی می توانند با هم در یک مورد مجتمع شوند، یعنی امر متعلق شود به عین آن چیزی که نهی به آن متعلق شده است؟

لذا ایشان پیشنهاد کرده که ما عنوان بحث را این قرار دهیم «اذا اجتمع متعلق الامر و النهی من حیث الایجاد و الوجود فهل یلزم من الاجتماع کذالک ان یتعلق کل من الامر و النهی بعین ما تعلق به الآخر»^۱ می‌گوید: عنوان بحث این باشد که اگر متعلق امر و نهی از حیث ایجاد و وجود یکی شدند یعنی در خارج همان وقتی که نماز را ایجاد می‌کند و موجود می‌شود، همان موقع غصب نیز تحقق دارد. لذا متعلق امر و متعلق نهی در خارج متحد شدند، یکی شدند، متعلق واحد است. پس اجتماع متعلق امر و نهی فی موجود واحد مسلم است، اجتماع متعلق امر و نهی در یک موجود خارجی قطعی است لکن آیا لازم می‌آید از اجتماع دو متعلق در خارج، اجتماع امر و نهی به این معنا که امر متعلق شود به چیزی که نهی به آن متعلق شده است «ان یتعلق کل من الامر و النهی بعین ما تعلق به الآخر».

قائل به امتناع می‌گوید: بله چنین چیزی لازم می‌آید که هر کدام از امر و نهی متعلق شوند به عین ما تعلق به الآخر، لذا ممتنع است. نمی‌شود امر به عین چیزی بخورد که نهی به آن متعلق شده است. اما قائل به جواز می‌گوید: اشکالی ندارد، می‌شود امر و نهی متعلق شوند به عین ما تعلق به الآخر.

پس عنوان مشهور چیست؟ «هل یجوز اجتماع الامر و النهی فی واحد او لا»، آیا اجتماع امر و نهی در یک چیز جایز است یا خیر؟ عنوان پیشنهاد محقق نایینی این است: «الامر و النهی المتعلقان بشیئ متحدین خارجا و وجودا و ایجادا هل یسری احدهما الی متعلق الآخر او لا»^۲.

پس تاکنون سه مطلب بیان شد: ۱. عنوان مشهور برای این بحث. ۲. اشکال محقق نایینی به عنوان مشهور. ۳. پیشنهاد محقق نایینی برای جایگزین کردن یک عنوانی که این اشکال در آن نباشد.

بررسی عنوان مورد نظر نایینی

آیا واقعا عنوان مشهور موهم این معنا است که نزاع در تضاد حکمین است؟ آیا شما از این عبارت تضاد حکمین را می‌فهمید که «هل یجوز اجتماع الامر و النهی فی واحد» تامل کنید الان می‌گوییم: «اجتماع الامر و النهی فی واحد یجوز ام لا یجوز» شما از این عنوان این را می‌فهمید که آیا امر و نهی با هم تضاد دارند یا ندارند؟ اصلا چنین چیزی را می‌فهمید؟ بحث این است. موهم این است که آیا این عنوان واقعا ذهن شما را به اشتباه هدایت می‌کند به مسئله تضاد بین حکمین یا تضاد بین الامر و النهی؟ قطعا اینگونه نیست یعنی این بحث ظاهرش اصلا به آن بر نمی‌گردد که ایشان می‌گویند موهم این معنا است. بله اگر این چنین بود حق با محقق نایینی بود که «هل یجوز اجتماع الامر و النهی» کانه می‌خواهد این را بگوید که آیا امر و نهی می‌توانند همانطوری که بعضی از امور در یک جا جمع می‌شوند جمع بشود یا نه؟

یک مثالی را بعضی از بزرگان برای توضیح مطلب گفتند؛ می‌گویند: دو شیء متنافی در یک چیز اگر بخواهند اجتماع کنند به دو صورت قابل تصویر است یک صورتش ممتنع است و یک صورت جایز. کانه آن شیء واحد را تارة از دید عقل می‌بینند و اخری از دید عرف. می‌گویند: شما یک خانه را فرض کنید، در این خانه یک طرف آب است و یک طرف آتش، اگر کسی بگوید: «اجتمع النار و الماء فی الدار» آیا این غلط است؟ نه، حقیقتاً بدون مسامحه آب و آتش می‌توانند با هم در یک خانه جمع شوند منتهی یکی

^۱ فوائد الاصول، ج ۱، ص ۳۹۶.

^۲ اجود التقريرات، ج ۱، ص ۳۳۱.

در یک طرف و دیگری در طرف دیگر وجود داشته باشند. عنوان «دار» بر این چند اتاق صدق می‌کند لذا شما می‌توانید بگویید: در این خانه هم آب است و هم آتش، یک طرفش آب و طرف دیگر آتش، مسلم این درست است. اما اگر فرض کنید گفته شود: «اجتمع النار و الماء فی الدار» و منظورمان در یک نقطه باشد، در یک محدوده هم آب باشد و هم آتش، این ممتنع است. اینجا نزاع در واقع در اینکه «هل يجوز اجتماع الامر و النهی فی واحد» در واقع به این بر می‌گردد که آیا متعلق امر و نهی که یکی هستند آیا این یکی بودن از قبیل آن نقطه واحده است که امکان اجتماع امر و نهی در آن نیست یا از قبیل دو طرف از یک مکان است که به عبارت دیگر کانه دو متعلق دارد که در اینصورت يجوز الاجتماع. زیرا مثل این می‌ماند که در یک طرف این خانه آب است و در طرف دیگر آتش است.

لذا در عنوانی که متقدمین از اختیار کردند کلمه «ذو وجهین» را نسبت به عنوان محقق خراسانی اضافه داشت. عرض کردیم عبارت مشهور این بود «هل يجوز اجتماع الامر و النهی فی واحد ذی وجهین ام لا؟» منظور محقق خراسانی نیز همین است پس به یک معنا در عنوانی که محقق خراسانی برای این بحث بیان کردند یک نارسایی به چشم می‌خورد، لذا پیشنهاد این است که ما همان عنوانی که متقدمینی که قبل از محقق خراسانی در این بحث ذکر کرده بودند را عنوان بحث قرار دهیم. یعنی «هل يجوز اجتماع الامر و النهی فی واحد ذی وجهین ام لا؟». این عنوان خیلی گویا و روشن است. کلمه «ذی وجهین» را اگر به عنوان اضافه کنیم دیگر کاملاً آن ذهنیت را از بین می‌برد. درست است که خود محقق نایینی به اصطلاح تذکر دادند که نزاع سرچینست ولی این عنوان موهم این است که نزاع در یک مسئله دیگر است، «تضاد الحکمین او عدم تضاد الحکمین» که این اصلاً مورد نزاع نیست؛ لذا یک پیشنهاد تازه دادند. ما عرض کردیم به نظر ما اینطور نیست که عنوان مشهور یا محقق خراسانی اساساً موهم آن معنا باشد. با توجه به مطالبی که بیان شد به جای اینکه عنوان پیشنهادی محقق نایینی را قبول کنیم گمان می‌کنیم عنوانی را که کسانی قبل از محقق خراسانی را ذکر کردند رجحان دارد، حتی بر عنوان محقق خراسانی نیز رجحان دارد هرچند که گفتیم عنوان ایشان نیز غلط نیست. پس دقت کنید عنوان این بحث این است، «هل يجوز اجتماع الامر و النهی فی واحد ذی وجهین او لا؟» اجتماع امر و نهی در یک واحدی که دو وجه دارد.

محقق خراسانی این جا مقدماتی دارند که باید این مقدمات بررسی شوند تا بعد ببینیم نتیجه چیست؟

«والحمد لله رب العالمین»